

پرسش ۲۸۱: درخواست روایات بیشتر درباره‌ی ذریه‌ی و فرزندان امام(ع)

السؤال / ۲۸۱:

alaykum,

Bismilla nir Rahman nir raheem

Ikra bismi rabbika al ladhi khalaka

Ikra wa rabbuka al 'akramu Alladhi alla bil qalami.Al

llama al 'insan ma lam ya lam.

Allah subhanalla wa t'allah made Haqq fitri for us. Imam al Hassan (a.s.)said:

"..about remembering and forgetting, the heart of man has been created to comply with the truth and there is a cover on the truth. If he prays to Allah to have blessing upon Muhammad and his family in a perfect way, that cover will be removed from the Truth and the heart will shine. But if he does not pray to Allah asking for blessings upon Muhammad and his family or his prayer is imperfect, the cover will get closed on the truth and the heart will be dark and then he will forget what he has remembered."

We should seek knowledge that should lead us to correct action. Additionally Imam as Sadiq (a.s.) told us that:

"knowledge does not depend on learning. It is a light which Allah shines in the heart of whoever Allah the Almighty wants to guide"

I believe we are here together because Allah has sent guide us and given us knowledge. I find little in the islamic writings on the period of time after al Hujjah (as.) dies. And I do not find much about al Hujjah's children. I want more information and am thinking that the best place to look for this is in the tafsir of Ahlul Bayt(a.s.).

Although I have never seen him with my eyes or heard a lot

of detail about Ahmed al Hassan, I am certain that he is of remarkable significance. I can share more with you later about how this happened.

Please, if you have any information that can help me on this subject please send it. Also, tell him that \"jahezza\" I am ready to help. Ask him please, what I can do to help.

Salams and tearful du'a

Tahira

المرسل: Tahira / shaytan al akba (أي أمريكا)

الترجمة:

السلام عليكم .. بسم الله الرحمن الرحيم، اقرأ باسم ربك الذي خلق، اقرأ وربك الأكرم الذي علم بالقلم، علم الإنسان ما لم يعلم.

سلام عليكم.... بسم الله الرحمان الرحيم. « بخوان به نام پروردگارت که آفرید » « بخوان، و پروردگار تو ارجمندترین است » « خدایی که به وسیله ی قلم تعلیم داد » « به آدمی آنچه را نمی دانست بیاموخت ».

الله سبحانه وتعالى جعل الحق فطرياً فينا، والإمام الحسن (ع) قال: (ومن أمر الذكر والنسيان فإن قلب الرجل في حق وعلى الحق طبق، فإن صلى الرجل عند ذلك على محمد وآل محمد صلاة تامة، انكشف ذلك الطبق عن ذلك الحق، فأضاء القلب وذكر الرجل ما كان نسي، وإن لم يصل على محمد وآل محمد، أو نقص من الصلاة عليهم، انطبق ذلك الطبق على ذلك الحق، فأظلم القلب ونسي الرجل ما كان ذكره) ([495]).

خدای سبحان، حق (و حقیقت) را در فطرت ما قرار داده است. امام حسن (ع) می فرماید: «و اما پرسشی که درباره ی فراموشی و یادآوری داشتی، جوابش این است که قلب انسان کاملاً بر اساس حق آفریده شده است که روی آن یک طبق قرار گرفته است. اگر انسان در وقت فراموشی بر محمد و آل محمد صلوات کامل بفرستد، طبق از

روی آن حق کنار می‌رود و قلب روشن می‌شود و انسان آنچه را فراموش کرده است به یاد می‌آورد، اما اگر صلوات نفرستد و یا صلوات ناقص بفرستد، آن طَبَق بر آن حق باقی می‌ماند و قلب در تاریکی فرو می‌رود و انسان آنچه را به یاد داشته بود فراموش می‌کند» [496].

**نحن يجب أن نبحث عن المعرفة التي تقودنا للعمل الصالح. بالإضافة إلى ما قاله الإمام الصادق (ع): (العلم لا يعتمد على التعلم. العلم نور يقذفه الله في قلب من يشاء).**

ما باید به دنبال معرفتی باشیم که ما را به عمل صالح سوق می‌دهد؛ به علاوه‌ی آنچه امام صادق (ع) فرموده است: «علم منوط به تعلم و آموختن نیست. علم نوری است که خداوند به قلب هر کس که بخواهد می‌افکند».

**أومن بأننا هنا معاً؛ لأنّ الله أرسل لنا من يقودنا وأعطانا المعرفة، ولم أجد إلاّ القليل في الكتب الإسلامية عن الفترة بعد وفاة الإمام الحجة، ولم أجد كثيراً حول أبناء الحجة (ع)، وأريد مزيد من المعلومات، واعتقد أنّ أفضل مكان للبحث هو في تفسير أهل البيت (ع).**

ایمان می‌آورم به این که ما اینجا با هم هستیم؛ زیرا خداوند کسی را که راهبر ما باشد به سوی ما گسیل داشته و به ما معرفت عطا فرموده است. در کتاب‌های اسلامی مطالب بسیار اندکی درباره‌ی دوران پس از وفات امام حجت یافته‌ام، و در مورد فرزندان حجت که به سوی ما گسیل داشته (نیز) چیز زیادی پیدا نکرده‌ام. مایلیم اطلاعات بیشتری به دست آورم و به نظرم، بهترین مکان برای جست‌وجو، تفسیر اهل بیت (ع) می‌باشد.

على الرغم من أنني لم أره بعيني أو أسمع الكثير من التفاصيل عن أحمد الحسن، ولكن أنا على يقين من أنه له من أهمية كبيرة. ويمكنني أن أبين هذا لكم في وقت لاحق عن كيفية حدوث ذلك.

هر چند من احمد الحسن را به چشم خود ندیده‌ام یا تفصیل زیادی در مورد ایشان به گوشم نخورده است ولی من مطمئنم که وی از جایگاه و اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. می‌توانم کیفیت دست یافتن به این مطلب را بعداً برایتان شرح دهم.

أرجو أن كانت عندكم أي معلومات تساعدوني بها في هذا الموضوع أن ترسلوها لي.

از شما خواهش می‌کنم اگر در این خصوص اطلاعاتی دارید، مرا کمک کرده، آنها را برایم بفرستید.

وأرجو أن تخبروه بأني جاهزة ومستعدة للمساعدة. أرجوكم أسألوه ما يمكنني القيام به للمساعدة.

سلام ودعاء عيون اغرورقت بالدموع.

المرسل: طاهرة / الشيطان الأكبر (أي أمريكا)

و خواهشمندم به ایشان اطلاع دهید که من برای کمک کردن، آماده و گوش به فرمانم. لطفاً از ایشان بپرسید من چطور می‌توانم کمک کنم؟

سلام و دعا با چشمانی اشک‌بار

فرستنده: طاهره - شیطان بزرگ (یعنی آمریکا)

**الجواب:** بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آله  
الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

هناك روايات كثيرة عن ذرية الإمام المهدي (ع) الذين سيحكمون  
العالم من بعده، وقد سطرها الأنصار في كتبهم مع شرحها والاستدلال  
عليها، مثل كتاب (الرد الحاسم على منكري ذرية القائم)، وكتاب  
(المهديين في روايات أهل البيت(ع))، وكتاب (الوصية والوصي)،  
وغيرها من الكتب، ويمكنك الاطلاع على ذلك عبر موقع أنصار الإمام  
المهدي (ع).

درباره‌ی فرزندان و ذریه‌ی امام مهدی(ع) که پس از آن حضرت بر عالم حکمرانی  
خواهند کرد، روایات زیادی وجود دارد. انصار در کتاب‌های خود، این روایات را با شرح و  
استدلال بر آنها به نگارش درآورده‌اند؛ مانند کتاب «الرد الحاسم على منكرى ذرية  
القائم» (پاسخ دندان‌شکن به منکر فرزندان قائم) و کتاب «مهدیین در روایات اهل  
بیت(ع)» و کتاب «وصیت و وصی» و سایر کتاب‌ها و با مراجعه به سایت انصار امام  
مهدی(ع) می‌توانید بر این مطالب وقوف یابید.

ولكن مع ذلك سأرسل لك بعض الروايات التي تحضرني:

عن أبي عبد الله الحسين بن علي بن سفيان البزوفري، عن علي بن  
سنان الموصلي العدل، عن علي بن الحسين، عن أحمد بن محمد بن  
الخليل، عن جعفر بن أحمد المصري، عن عمه الحسن بن علي، عن  
أبيه، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد، عن أبيه الباقر، عن أبيه ذي  
الثقات سيد العابدين، عن أبيه الحسين الزكي الشهيد، عن أبيه أمير  
المؤمنين (ع)، قال: (قال رسول الله(ص) - في الليلة التي كانت فيها

وفاته - لعلي (ع): يا أبا الحسن، أحضر صحيفة ودواة، فأملا رسول الله (ص) وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع، فقال: يا علي، إنه سيكون بعدي اثنا عشر إماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً، فأنت يا علي أول الاثني عشر إماماً سماك الله تعالى في سمائه: علياً المرتضى، وأمير المؤمنين، والصدیق الأكبر، والفاروق الأعظم، والمأمون، والمهدي، فلا تصح هذه الأسماء لأحد غيرك.

با این حال برخی روایاتی که (در این باب) آماده دارم را برای شما می فرستم:

امام صادق از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه‌ها سرور عبادت کنندگان، از پدرش حسین شهید پاک و طاهر از پدرش امیرالمومنین (ع) نقل می فرماید: «رسول خدا (ص) در شبی که از دنیا رفتند به علی (ع) فرمودند: ای ابوالحسن! صحیفه و دواتی آماده کن. حضرت (ص) وصیتشان را به امیرالمؤمنین (ع) املا فرمودند، تا به اینجا رسید: ای علی! پس از من دوازده امام خواهند بود و بعد از آنها دوازده مهدی، و تو ای علی، اولین نفر از دوازده امام هستی. خداوند تبارک و تعالی تو را در آسمانش، علی مرتضی و امیرمؤمنان و صدیق اکبر (تصدیق کننده‌ی بزرگ پیامبر) و فاروق اعظم (به وسیله‌ی تو، بین حق و باطل فرق گذاشته می شود) و مأمون و مهدی نامیده است و این اسامی برای احدی جز تو شایسته نیست.

يا علي، أنت وصيي على أهل بيتي حيهم وميتهم، وعلى نسائي فمن ثبتها لقيتني غداً، ومن طلقها فأنا بريء منها، لم ترني ولم أرها في عرصة القيامة، وأنت خليفتي على أمتي من بعدي، فإذا حضرتك الوفاة فسلمها إلى ابني الحسن البر الوصول، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني الحسين الشهيد الزكي المقتول، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني سيد العابدين ذي الثنات علي، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني محمد الباقر، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني جعفر الصادق، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني موسى الكاظم، فإذا حضرته الوفاة

فلیسلمها إلی ابنه علی الرضا، فإذا حضرته الوفاة فلیسلمها إلی ابنه محمد الثقة التقی، فإذا حضرته الوفاة فلیسلمها إلی ابنه علی الناصح، فإذا حضرته الوفاة فلیسلمها إلی ابنه الحسن الفاضل، فإذا حضرته الوفاة فلیسلمها إلی ابنه محمد المستحفظ من آل محمد(ع). فذلك اثنا عشر إماماً، ثم یكون من بعده اثنا عشر مهدیاً، فإذا حضرته الوفاة فلیسلمها إلی ابنه أول المقربین له ثلاثة أسامی: اسم کاسمی واسم أبي وهو عبد الله وأحمد، والاسم الثالث المهدی، هو أول المؤمنین([497]).

ای علی! تو وصی من و سرپرست اهل بیتم هستی چه زنده و چه مرده ایشان و همچنین بر زنانم وصی من خواهی بود، پس هر کدام را که در عقد ازدواج من باقی گذاری فردای قیامت مرا ملاقات می کند، و هر کدام را که تو طلاق دهی من از او بیزارم، و در قیامت نه مرا می بیند و نه من او را می بینم. تو پس از من جانشین و خلیفهام بر امتم هستی. زمانی که وفات تو فرا رسید وصایت و جانشینی مرا به پسر من حسن که نیکوکار و رسیده به حق است تسلیم نما. زمان وفات او که فرا رسید آن را به فرزندم حسین پاک و شهید بسپارد، و وقتی که وفات او فرا رسید آن را به فرزندش آقا و سید عبادت کنندگان و صاحب ثنات (دارای پینه های عبادت) «علی» واگذار نماید، و هرگاه زمان وفات او رسید آن را به فرزندش محمد باقر تسلیم کند، و زمانی که وفات او رسید آن را به پسرش جعفر صادق بسپارد، و آن گاه که وفات او فرا رسید به فرزندش موسی کاظم واگذار کند، و وقتی که وفات او فرا رسید به فرزندش علی «رضا» تسلیم کند، و زمانی که وفات او رسید آن را به فرزندش محمد ثقه «تقی» بسپارد و زمانی که وفات او فرا رسید آن را به فرزندش علی «ناصر» واگذار نماید، و زمانی که وفات او رسید آن را به پسرش حسن «فاضل» بسپارد، و زمانی که وفات او فرا رسید آن را به فرزندش «محمد» که حافظ شریعت و آل محمد(ص) است بسپارد. این دوازده امام بود و بعد از ایشان دوازده مهدی خواهد بود. پس وقتی که زمان وفات او رسید، وصایت و جانشینی من را به فرزندش که اولین و برترین مقربین است تسلیم نماید، و او سه نام



دارد، یک نامش مانند نام من، و نام دیگرش مثل نام پدر من است و آن عبدالله و احمد است و سومین نام او مهدی خواهد بود و او اولین مؤمنان است» ([498]).

**و عن حذيفة بن اليمان، قال: سمعت رسول الله (ص) وذكر المهدي فقال: (إنه يبائع بين الركن والمقام، اسمه أحمد وعبد الله والمهدي، فهذه أسماؤه ثلاثتها) ([499]).**

از حذيفة بن يمان نقل شده است که گفت: از پیامبر خدا (ص) شنیدم که درباره مهدی می فرمود: «با او بین رکن و مقام بیعت می شود، نامش احمد و عبدالله و مهدی است، و این هر سه نام های او می باشد» ([500]).

**و عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة، عن أبي عبد الله (ع)، في حديث طويل أنه قال: (يا أبا حمزة، إن منا بعد القائم أحد عشر مهدياً من ولد الحسين (ع)) ([501]).**

محمد بن فضیل از ابو حمزه از امام ابو عبدالله (ع) در حدیثی طولانی نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «ای اباحمزه! از ما پس از قائم یازده مهدی از نسل حسین (ع) است» ([502]).

**و عن أبي بصير، قال: قلت للصادق جعفر بن محمد (عليهما السلام): يا ابن رسول الله، إني سمعت من أبيك (ع) أنه قال: يكون بعد القائم اثنا عشر مهدياً، فقال: (إنما قال: اثنا عشر مهدياً، ولم يقل: اثنا عشر إماماً، ولكنهم قوم من شيعتنا يدعون الناس إلى مواليتنا ومعرفة حقنا) ([503]).**

ابوبصیر می گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: ای پسر رسول خدا! من از پدرت (ع) شنیدم که می فرمود: پس از قائم دوازده مهدی می باشد. امام صادق (ع)



فرمود: «فرموده دوازده مهدی و نگفته است دوازده امام، و آنها گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به موالات و دوستی ما و شناخت حق ما دعوت می کنند» ([504]).

**و عن علي بن الحسين (ع)، أنه قال: (يقوم القائم منا - يعني المهدي - ثم يكون بعده اثنا عشر مهدياً - يعني من الأئمة من ذريته -) ([505]).**

امام علی بن الحسین (ع) فرمود: «قائم - یعنی مهدی - از ما به پا می خیزد، و پس از او دوازده مهدی - یعنی از ائمه از نسل او - خواهند بود» ([506]).

**و عن يحيى بن السلام، يرفعه إلى عبد الله بن عمر، أنه قال: (ابشروا، فيوشك أيام الجبارين أن تنقطع، ثم يكون بعدهم الجابر الذي يجبر الله به أمة محمد(ص)، المهدي، ثم المنصور، ثم عدد أئمة مهديين) ([507]).**

از یحیی بن سلام که به عبدالله بن عمر باز می گردد نقل شده است که گفت: «... بشارت باد شما را! نزدیک است که روزهای ستمگران به پایان رسد و بعد از آنها جابر خواهد بود که خداوند با او امت محمد(ص) را اصلاح خواهد کرد، مهدی، سپس منصور، سپس امامانی هدایت کننده (مهديين)» ([508]).

**و عن معمر بن خلاد، عن أبي الحسن (ع) قال: (كأني برأيات من مصر مقبلات خضر مصبغات، حتى تأتي الشامات فتهدى إلى ابن صاحب الوصيات) ([509]).**

معمر بن خالد از ابوالحسن (ع) روایت کرده است که فرمود: «گویی درفش های سبز رنگی را می بینم که از مصر می آیند تا به شامات می رسند و (از آنجا) به سمت فرزند صاحب وصیت ها هدایت می شوند» ([510]).

وروی حذلم بن بشیر، قال: قلت لعلي بن الحسين (عليهما السلام):  
صف لي خروج المهدي وعرفني دلائله وعلاماته؟ فقال: (يكون قبل  
خروجه خروج رجل يقال له: عوف السلمي بأرض الجزيرة، ويكون  
مأواه تكريت وقتله بمسجد دمشق، ثم يكون خروج شعيب بن صالح من  
سمرقند. ثم يخرج السفیانی الملعون من الوادي اليابس وهو من ولد  
عتبة بن أبي سفیان، فإذا ظهر السفیانی اختفى المهدي ثم يخرج بعد  
ذلك) [511].

از حذلم بن بشیر نقل شده است که گفت: به امام علی بن حسین (ع) عرض کردم:  
خروج حضرت مهدی (ع) را توصیف فرما و دلایل و علامت‌های او را به من بشناسان.  
فرمود: «قبل از خروج مهدی (ع) خروج مردی در سرزمین جزیره است که او را عوف  
سلمی گویند، و جایگاه او تکریت می‌باشد و در مسجد دمشق کشته می‌شود. پس از آن  
خروج شعیب بن صالح از سمرقند، سپس خروج سفیانی ملعون از وادی یابس (خشک)  
خواهد بود و او از فرزندان عتبه بن ابو سفیان است. چون سفیانی ظاهر گردد،  
مهدی (ع) پنهان می‌شود و پس از آن خروج می‌فرماید» [512].

عن المفضل بن عمر، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (إن لصاحب  
هذا الأمر غيبتين إحداهما تطول حتى يقول بعضهم مات، ويقول بعضهم  
قتل، ويقول بعضهم ذهب، حتى لا يبقى على أمره من أصحابه إلا نفر  
يسير لا يطلع على موضعه أحد من ولده ولا غيره إلا المولى الذي يلي  
أمره) [513].

مفضل بن عمر گفت از حضرت امام صادق (ع) روایت کرده است که شنیدم که  
فرمود: «صاحب الامر دو غیبت دارد که یکی طولانی‌تر از دیگری است تا این که برخی  
گویند: مرده است و برخی گویند: کشته شد و برخی گویند: رفت، تا حدی که بر امر او  
از اصحابش باقی نمانند مگر اندکی و هیچ کس از جای او آگاه نباشد نه از فرزندان او و  
نه از دیگران، به جز کسی که متصدی کارهایش باشد» [514].

فقه الرضا (ع): الدعاء في الوتر وما يقال فيه وهذا مما نداوم به نحن معاشر أهل البيت(ع): (..... اللهم صل عليه وعلى آله من آل طه ويس، واخصص وليك ووصي نبيك، وأخا رسولك ووزيره، وولي عهده، إمام المتقين، وخاتم الوصيين لخاتم النبيين محمد(ع)، وابنته البتول، وعلى سيدي شباب أهل الجنة من الأولين والآخرين، وعلى الأئمة الراشدين المهديين السالفين الماضين، وعلى النقباء الأتقياء البررة الأئمة الفاضلين الباقين، وعلى بقيتك في أرضك، القائم بالحق في اليوم الموعود، وعلى الفاضلين المهديين الأئمة الخزنة)[515].

فقه الرضا(ع): دعای وتر و آنچه در آن گفته می شود و آنچه ما گروه اهل بیت بر آن مداومت داریم:

.... خداوندا! بر محمد و آل او از آل طه و یس درود فرست، و آن (درود) را اختصاص بده به ولی ات و وصی نبی ات و برادر رسالت و وزیر او و ولی عهد او، امام متقین و خاتم وصیین برای خاتم نبیین محمد(ص)، و دختر او بتول، و بر دو سرور جوانان اهل بهشت از اولین و آخرین، و بر امامان راشدین و مهدیین قبلی و گذشته، و بر نقبا و اتقیای نیکوکار امامان فاضل باقی مانده، و بر باقی ماندهات در زمینت، قائم به حق در روز موعود، و بر مهدیین فاضل خزانه داران امین)[516].

الدعاء لصاحب الأمر (ع) المروي عن الرضا (ع). روی یونس بن عبد الرحمن: أن الرضا (ع) كان يأمر بالدعاء لصاحب الأمر بهذا: (اللهم ادفع عن وليك وخليفتك وحجتك على خلقك ..... اللهم أعطه في نفسه وأهله وولده وذريته وأمه وجميع رعيته ما تقر به عينه وتسره به نفسه، وتجمع له ملك المملكات كلها قريبها وبعيدها وعزيزها وذليلها ..... اللهم صل على ولاية عهده والأئمة من بعده وبلغهم آمالهم وزد في آجالهم وأعز نصرهم وتمم لهم ما أسندت إليهم من أمرك لهم وثبت دعائمهم واجعلنا لهم أعوانا وعلى دينك أنصاراً، فإنهم معادن كلماتك وخزان علمك وأركان توحيدك ودعائم دينك وولاية أمرك وخالصتك من عبادك وصفوتك

**من خلقك وأولياؤك وسلائل أوليائك وصفوة أولاد نبيك، والسلام عليه  
وعليهم ورحمة الله وبركاته).**

یونس بن عبدالرحمن روایت کرده است که حضرت رضا(ع) امر می فرمودند به دعا نمودن برای حضرت صاحب الامر به این دعا:

خدایا! دفاع کن از ولیّات و خلیفہات و حجت تو بر آفریدگانت.... خداوندا! به او عطا کن در وجودش و اهلش و فرزندان و نژادش و امت و همه‌ی رعیتش، چیزی که چشمش را به آن روشن کنی، و وجودش را به آن شادمان نمایی، و برای او گردآوری فرمانروایی همه‌ی مملکت‌ها را، نزدیک و دورش، و نیرومند و خوارش.... خدایا! بر متولیان عهدش، و پیشوایان پس از او درود فرست، و آنان را به آرزوهایشان برسان، و بر عمرشان بیفزای، و پیروزی‌شان را نیرومند ساز، و برای آنان کامل کن آنچه از دستورات به آنان مستند کردی، و پایه‌های حکومتشان را ثابت بدار و ما را از مددکاران آنان و از یاوران دینت قرار ده، به درستی که آنان اند معادن کلمات، و خزانه‌داران دانش، و پایه‌های توحیدت، و استوانه‌های دینت، و زبده‌ها از بندگانت، و برگزیدگان از آفریدگانت، و اولیایت و گزیده‌های دوستانت، و انتخاب‌شده‌ی فرزندان پیامبرت، و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر آنان باد.

**وفي دعاء آخر مروى عن صاحب الزمان (ع)، خرج إلى أبي الحسن الضراب الأصفهاني بمكة، بإسناد لم نذكره اختصارا نسخته: (بسم الله الرحمن الرحيم اللهم ..... وصل على وليك وولاية عهدك والأئمة من ولده، ومد في أعمارهم وزد في آجالهم وبلغهم أقصى آمالهم دينا ودنيا وآخره إنك على كل شيء قدير)([517]).**

و در دعایی دیگر که از حضرت صاحب الزمان(ع) روایت شده و در مکه به دست ابوالحسن ضراب اصفهانی رسیده است و ما سند آن را برای کوتاه شدن ذکر نکردیم که متن آن دعا به شرح زیر است:

به نام خداوند بخشاینده‌ی بخشایش‌گر، بارخدا یا!... و بر ولایت و زمام‌داران پایبند به عهدت که امامان از فرزندان‌ش هستند درود فرست، و بر عمرشان بیافزا و بر طول حیاتشان فزونی بخش، و به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و اخرویشان برسان که به یقین تو بر هر چیز توانایی [518].

وخرج إلى القاسم بن العلاء الهمداني وكيل أبي محمد (ع)، أن مولانا الحسين (ع) ولد يوم الخميس لثلاث خلون من شعبان فسمه. وادع فيه بهذا الدعاء: (اللهم إني أسألك بحق المولود في هذا اليوم الموعود بشهادته قبل استهلاله وولادته، بكته السماء ومن فيها والأرض ومن عليها، ولما يطأ لابتها قتيل العبرة، وسيد الأسرة، الممدود بالنصرة يوم الكرة، المعوض من قتله أن الأئمة من نسله، والشفاء في تربته، والفوز معه في أوبته، والأوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبتهم، حتى يدركوا الأوتار ويثأروا الثار ويرضوا الجبار ويكونوا خير أنصار، صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار ..... واجعلنا ممن يسلم لأمره، ويكثر الصلاة عليه عند ذكره وعلى جميع أوصيائه وأهل أصفياه، الممدودين منك بالعدد، الاثني عشر النجوم الزهر، والحجج على جميع البشر ...)

[519].

و توقيع (دست‌نوشت) شریفی برای قاسم بن علا همدانی وکیل حضرت امام حسن عسکری (ع) آمد با این مضمون که مولایمان امام حسین (ع) در روز پنجشنبه سوم شعبان متولد شد، پس آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان:

خدا یا از تو می‌خواهم به حق مولود در این روز، که به شهادتش وعده داده شد پیش از برخاستن صدایش و قبل از ولادتش، آسمان و هر که در آن است، زمین و هر که بر آن است بر او گریست در حالی که هنوز قدم در جهان نگذاشته بود، کشته‌ی اشک، سرور خاندان، مدد یافته به یاری در روز بازگشت، پاداش شهادتش این که امامان از نسل اویند، و شفا در تربت او است و پیروزی با او است در هنگام بازگشتش، و

جانشینان از خاندانش پس از قیام کننده‌شان و غیبت او، تا انتقام گیرند و خونخواهی نمایند، و جبّار را خوشنود سازند و بهترین یاران دین حق شوند، درود خدا بر ایشان همگام با رفت و آمد شب و روز.... و ما را از کسانی قرار ده که به فرمانش تسلیم می‌شوند، و به هنگام بردن نامش صلوات زیاد بر او می‌فرستند و هم بر همه‌ی جانشینان و خاندان برگزیده‌اش، آن یاری‌شدگان از جانب تو به عدد دوازده، آن ستارگان درخشان، و حجت‌های الهی بر تمام بشر.....[520].

و عن أبي بكر الحضرمي، عن أبي جعفر (ع)، قال: قلت له: إي بقاع الأرض أفضل بعد حرم الله عز وجل وحرم رسوله (ص)؟ فقال: (الكوفة، يا أبا بكر هي الزكية الطاهرة، فيها قبور النبيين المرسلين وغير المرسلين والأوصياء الصادقين، وفيها مسجد سهيل الذي لم يبعث الله نبياً إلا وقد صلى فيه، ومنها يظهر عدل الله، وفيها يكون قائمه والقوام من بعده، وهي منازل النبيين والأوصياء والصالحين)[521].

ابوبکر حضرمی می‌گوید: به امام باقر (ع) یا به امام صادق (ع) عرض کردم: کدام سرزمین پس از حرم خدا و حرم پیامبرش بافضیلت‌تر است؟ حضرت فرمود: «ای ابابکر! سرزمین کوفه است که جایگاهی پاک و طاهر می‌باشد، و در آن قبرهای پیامبران مرسل و غیرمرسل و اوصیای صادق قرار دارد، و در آن مسجد سهیل قرار دارد که خداوند پیامبری را مبعوث نکرد مگر این که در آن مسجد نماز خواند، و از آنجا عدل خداوند پدیدار می‌شود، و در آن است قائمش و قائمین پس از او، و آن منزلگاه انبیا و اوصیا و صالحین می‌باشد»[522].

و عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (ع)، قال: قال لي: (يا أبا محمد، كأي أرى نزول القائم (ع) في مسجد السهلة بأهله وعياله، قلت: يكون منزله جعلت فداك؟ قال: نعم، كان فيه منزل إدريس، وكان منزل إبراهيم

خليل الرحمن (ع)، وما بعث الله نبياً إلا وقد صلى فيه، وفيه مسكن  
([523]).

ابوبصير می گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: «ای ابامحمد! گویا می بینم که  
قائم (ع) با اهل و عیالش در مسجد سهله فرود آمده است». گفتیم: آیا خانه ی او مسجد  
سهله است؟ فرمود: «آری، همان جا که منزلگاه ادريس و ابراهيم خليل الرحمان (ع)  
بوده است و هیچ پیامبری برانگیخته نشد مگر آن که در آن مسجد نماز گزارده  
است» ([524]).

وعن نصر بن السندي، عن أبي داود سليمان بن سفيان المسترق،  
عن ثعلبة بن ميمون عن مالك الجهني، عن الحارث بن المغيرة، عن  
الاصبغ بن نباتة. ورواه سعد بن عبد الله، عن محمد بن الحسين بن أبي  
الخطاب، عن الحسن بن علي بن فضال، عن ثعلبة بن ميمون، عن مالك  
الجهني، عن الاصبغ بن نباتة، قال: (أتيت أمير المؤمنين (ع) فوجدته  
ينكت في الأرض، فقلت له: يا أمير المؤمنين، مالي أراك مفكراً تنكت في  
الأرض؟ أرغبة منك فيها؟ قال: لا والله ما رغبت فيها ولا في الدنيا قط،  
ولكني تفكرت في مولود يكون من ظهر الحادي عشر من ولدي هو  
المهدي الذي يملأها عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً، يكون له حيرة  
وغيبة تضل فيها أقوام ويهتدي فيها آخرون. قلت: يا مولاي فكم تكون  
الحيرة والغيبة؟ قال: ستة أيام، أو ستة أشهر، أو ست سنين. فقلت:  
وإن هذا الأمر لكائن؟ فقال: نعم كما أنه مخلوق، وأنى لك بهذا الأمر يا  
أصبغ، أولئك خيار هذه الأمة مع أبرار هذه العترة، قال: قلت: ثم ما يكون  
بعد ذلك؟ قال: ثم يفعل الله ما يشاء فإن له بداآت وإرادات وغايات  
ونهايات) ([525]).

از نصر بن سندی از ابو داوود سفیان مسترق از ثعلبة بن ميمون از مالک جهنی از  
حارث بن مغیره از اصبغ بن نباته و همچنین از سعد بن عبدالله از محمد بن حسين ابی  
خطاب از حسن بن علی بن فضال از ثعلبة بن ميمون از مالک جهنی از اصبغ بن نباته



نقل شده است که گفت: خدمت امیرالمومنین (ع) آمدم، دیدم ایشان چوبی در دست گرفته بود و به زمین می‌زند. به ایشان عرض کردم: ای امیرالمومنین! چه شده است که شما را می‌بینم متفکرانه سر چوب را به زمین می‌زنید؟ آیا به این زمین علاقه‌ای دارید؟ حضرت فرمود: «خیر، به خدا قسم که هیچ وقت رغبتی به زمین و دنیا نداشته‌ام، لکن در مورد مولودی فکر می‌کنم که از نسل فرزند یازدهم از فرزندانم می‌باشد، او همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که از ظلم و جور پر شده است. حیرت و غیبتی برای او پیش می‌آید که در آن بعضی از اقوام گمراه و بعضی دیگر هدایت می‌شوند». عرض کردم: ای امیرالمومنین! حیرت و غیبت چه مدتی خواهد بود؟ حضرت فرمود: «شش روز یا شش ماه یا شش سال». عرض کردم: آیا واقعاً این امر صورت می‌گیرد؟ فرمود: «آری، گویی او خلق شده است، ولی ای اصبح تو را با این امر چه کار است؟ آنها نیکان این امتند همراه با نیکان این عترت». عرض کردم: بعد از آن چه می‌شود؟ فرمود: «پس از آن، هر چه خدا خواهد می‌شود زیرا برای خدا بداءها و اراده‌ها و غایات و پایان‌ها است (هر طور که خدای تعالی بخواهد عمل می‌کند)» ([526]).

و عن علي بن حسن بن علي بن فضال، عن محمد بن عيسى بن عبيد باسناده عن الصالحين (ع) قال: (وكرر في ليلة ثلاث وعشرين من شهر رمضان قائماً وقاعداً وعلى كل حال، والشهر كله وكيف أمكنك، ومتى حضرك في دهرك، تقول بعد تمجيد الله تعالى والصلاة على النبي وآله (ع): اللهم كن لوليك القائم بأمرك، محمد بن الحسن المهدي عليه وعلى آبائه أفضل الصلاة والسلام، في هذه الساعة وفي كل ساعة، ولياً وحافظاً وقائداً وناصرًا ودليلاً ومؤيداً، حتى تسكنه أرضك طوعاً وتمتعه فيها طويلاً وعرضاً، وتجعله وذريته من الأئمة الوارثين ..... ) ([527]).

از علی بن حسن بن علی بن فضال از محمد بن عیسی بن عبید با استنادش به صالحین(ع) نقل شده است که فرمودند: «و در شب بیست و سوم ماه رمضان در حال نشستن و ایستادن و در همه‌ی احوال، و در همه‌ی ماه و هر طور که تو را مقدور بود و هرگاه که در طول عمرت به یادت آمد، این دعا را مکرر بخوان، به این صورت که بعد از حمد و ستایش خداوند متعال، و صلوات بر پیامبر اکرم و خاندان او(ع) بگو:

اللهم کن لولیک القائم بأمرک، محمد بن الحسن المهدی، علیه و علی آباءه أفضل الصلاة و السلام فی هذه الساعة و فی کلّ ساعة، ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دليلاً و مؤيداً، حتی تسکنه أرضک طوعاً و تمتعه فیها طولاً و عرضاً و تجعله و ذریته من الائمة الوارثین....

خدایا در این لحظه و در همه‌ی لحظات، سرپرست و نگاه‌دار و راهبر و یاریگر و راهنما و دیده‌بان ولیّات، قائم به امر تو، حجت بن الحسن المهدی - که برترین دروذهای تو بر او و پدرانش باد- باش، تا او را به صورتی که خوش آیند او است در زمینت ساکن گردانی، و مدت زمانی طولانی در طول و عرض آن بهره‌مندش سازی. و او و ذریه‌اش را ائمه‌ی وارثین قرار ده....»([528]).

**إقبال الأعمال:** وهذا ما ذكره بلفظه من نسخة عتيقة بخزانة مشهد الكاظم (ع)، وهذا ما رويناه ورأينا عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (ع)، قال: (قال: الله أجل وأكرم وأعظم من إن يترك الأرض بلا إمام عادل، قال: قلت له: جعلت فداك فأخبرني بما أستريح إليه، قال: يا أبا محمد، ليس يرى أمة محمد(ص) فرجاً أبداً مادام لولد بني فلان ملك حتى ينقرض ملكهم، فإذا انقرض ملكهم أتاح الله لأمة محمد رجلاً منا أهل البيت، يسير بالتقى ويعمل بالهدى ولا يأخذ في حكمه الرشا، والله إنني لأعرفه باسمه واسم أبيه، ثم يأتينا الغليظ القصرة ذو الخال والشامتين، القائم العادل الحافظ لما استودع يملأها قسطاً وعدلاً كما ملأها الفجار جوراً) ([529]).

اقبال الاعمال: ابو بصير از امام صادق (ع) نقل نموده است که فرمود: «خداوند، بزرگتر و مکرمتر و اعظم از این است که زمین را بدون امام عادل واگذارد». ابوبصير گفت: «فدايت کردم! چیزی به من اطلاع دهید که موجب آرامش خاطر من باشد. فرمود: «ای ابامحمد! مادام که بنی عباس بر اریکه‌ی سلطنت تکیه زده‌اند، امت محمد(ص) فرج و راحتی ندارند. وقتی که دولت آنها منقرض گردید، خداوند مردی را که از دودمان ما است و برای امت محمد(ص) نگاه داشته، ظاهر گرداند تا دستور به تقوا دهد و به هدایت رفتار کند و در حکمش رشوه نگیرد. به خدا قسم من او را به اسم خود و پدرش می‌شناسم. آن‌گاه مردی که بنیه‌ای قوی دارد و دارای دو خال سیاه است به سوی ما خواهد آمد. او قائم عادل و حافظ امانت الهی است؛ او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان که فاجران آن را پر از ظلم و ستم کرده باشند» ([530]).

و عن حبة العرنی، قال: خرج أمير المؤمنين (ع) إلى الحيرة فقال: (لتصلن هذه بهذه - وأومئ بيده إلى الكوفة والحيرة - حتى يباع الذراع فيما بينهما بدنانير، وليبين بالحيرة مسجد له خمسمائة باب يصلي فيه خليفة القائم عجل الله تعالى فرجه؛ لأن مسجد الكوفة ليضيق عنهم، وليصلين فيه إثنا عشر إماماً عدلاً، قلت: يا أمير المؤمنين، ويسع مسجد الكوفة هذا الذي تصف الناس يومئذ؟! قال: تبني له أربع مساجد مسجد الكوفة أصغرها وهذا ومسجدان في طرفي الكوفة من هذا الجانب وهذا الجانب - وأومئ بيده نحو البصريين والغريين-) ([531]).

حبه‌ی عرنی می‌گوید: امیرالمومنین (ع) به سمت حیره خارج شد و فرمود: «این به این متصل خواهد شد - و با دستش به کوفه و حیره اشاره نمود - به طوری که هر ذراع از زمین بین این دو به دینارها معامله خواهد شد و در حیره مسجدی ساخته می‌شود که پانصد در خواهد داشت، خلیفه‌ی قائم (عجل الله تعالی فرجه) در آن نماز اقامه خواهد کرد زیرا مسجد کوفه برای آنها کوچک خواهد بود و دوازده امام عادل در آن نماز خواهند

گزارد». عرض کردم: یا امیرالمومنین! آیا در آن زمان مسجد کوفه گنجایش این همه آدم که توصیف می‌فرمایید را دارد؟! فرمود: «چهار مسجد در آنجا ساخته می‌شود که مسجد کوفه از همه‌ی آنها کوچکتر خواهد بود. و این مسجد و دو مسجد دیگر که در دو سوی شهر کوفه قرار می‌گیرند، احداث خواهد گشت». آن‌گاه حضرت به سوی رودخانه‌ی بصرین و غربین اشاره نمود([532]).

و عن أبي الحارث بلال بن فروة، يرفعه (إلى النبي(ع))، أنه قال: (لن تهلك هذه الأمة حتى يليها اثنا عشر خليفة كلهم من أهل النبي، كلهم يعمل بالحق ودين الهدى، منهم رجلان، يملك أحدهما أربعين سنة، والآخر ثلاثين سنة)([533]).

از ابو الحارث بلال بن فروه نقل شده است که پیامبر خدا(ص) فرمود: «هلاکت این امت نمی‌رسد تا دوازده خلیفه بیایند که همه‌ی آنها از خاندان پیامبر(ص) هستند، همه‌ی آنها عاملان به حق و دین هدایت هستند. در آنها دو نفر هست که یکی از آنان چهل سال و دیگری سی سال حکومت می‌کند»([534]).

و عن- جابر- الجعفي، عن- أبي- جعفر (ع)، يقول: (ألزم الأرض لا تحركن يدك ولا رجلك أبداً حتى ترى علامات أذكرها لك في سنة، ويبعث بعثاً إلى المدينة، فيقتل بها رجلاً ويهرب المهدي و المنصور منها، ويؤخذ آل محمد صغيرهم وكبيرهم، لا يترك منهم أحد إلا حبس ويخرج الجيش في طلب الرجلين).

جابر جعفی از امام باقر(ع) روایت کرده است که فرمود: «ای جابر! در جای خود بنشین و به هیچ وجه حرکتی مکن تا علاماتی را که برای تو ذکر می‌کنم در سالی بینی. و به سوی مدینه می‌فرستند، مردی را می‌کشند و مهدی و منصور از آن

می‌گریزند، آل محمد از کوچک و بزرگشان در بند می‌شوند و کسی از آنها باقی نمی‌ماند مگر در حبس. سپاه در طلب آن دو مرد خارج می‌شوند.

ويخرج المهدي منها على سنة موسى خائفاً يترقب حتى يقدم مكة، ويقبل الجيش حتى إذا نزلوا البداء وهو جيش الهملات خسف بهم، فلا يفلت منهم إلا مخبر، فيقوم القائم بين الركن والمقام فيصلي وينصرف، ومعه وزيره. فيقول: يا أيها الناس، إنا نستنصر الله على من ظلمنا وسلب حقنا، من يحاجنا في الله فأنا أولى بالله، ومن يحاجنا في آدم فأنا أولى الناس بآدم.... ويجئ والله ثلاث مائة وبضعة عشر رجلاً فيهم خمسون امرأة يجتمعون بمكة على غير ميعاد قزعاً كقزع الخريف، يتبع بعضهم بعضاً، وهي الآية التي قال الله: (أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) [535]، فيقول رجل من آل محمد (ع) وهي القرية الظالمة أهلها.

مهدي، بر سنت موسی، ترسان و مراقب خارج می‌شود تا به مکه می‌رسد. سپاه حرکت می‌کند تا به «بیدا» می‌رسند که این همان سپاهی است که خسف برایشان رخ می‌دهد؛ کسی از ایشان باقی نمی‌ماند جز خبر رسانشان. قائم بین رکن و مقام می‌ایستد، نماز می‌خواند و در حالی که وزیرش همراه او است، رو می‌کند و می‌گوید: ای مردم، علیه کسانی که به ما ظلم نمودند و حقان را سلب نمودند از خداوند طلب یاری می‌نماییم. هر کس می‌خواهد با ما در خداوند محاجه نماید، ما به خداوند سزاوارتریم، هر کس بر طریق آدم با ما محاجه نماید، ما به آدم سزاوارتریم و.... و به خدا سوگند سیصد و اندی مرد که بین ایشان پنجاه زن نیز می‌باشند بدون وعده‌ی قبلی مانند دانه‌های تسبیح در مکه گرد می‌آیند، یکی بعد از دیگری و آیه‌ای که دلیل این مطلب است عبارت است از: « هر جا که باشید، خداوند همه‌ی شما را می‌آورد، به

راستی که خداوند بر هر چیزی توانا است» [536] که مردی از آل محمد (ع) می‌گوید در حالی که آن شهری است که مردمش ستم نموده‌اند.

ثم يخرج من مكة هو ومن معه الثلاثمائة وبضعة عشر يبائعونه بين الركن والمقام، معه عهد نبي الله (ص) ورايته وسلاحه، ووزيره معه، فينادي المنادي بمكة باسمه وأمره من السماء حتى يسمعه أهل الأرض كلهم اسمه اسم نبي. ما أشكل عليكم فلم يشكل عليكم عهد نبي الله (ص) ورايته وسلاحه، والنفس الزكية من ولد الحسين، فإن أشكل عليكم هذا فلا يشكل عليكم الصوت من السماء باسمه وأمره، وإياك وشذاذ من آل محمد فإن لآل محمد وعلي راية ولغيرهم رايات، فألزم الأرض ولا تتبع منهم رجلاً أبداً حتى ترى رجلاً من ولد الحسين، معه عهد نبي الله ورايته وسلاحه، فإن عهد نبي الله صار عند علي بن الحسين ثم صار عند محمد بن علي، ويفعل الله ما يشاء. فألزم هؤلاء أبداً، وإياك ومن ذكرت لك، فإذا خرج رجل منهم معه ثلاث مائة وبضعة عشر رجلاً ومعه راية رسول الله (ص) عامداً إلى المدينة حتى يمر بالببدا حتى يقول: هذا مكان القوم الذين يخسف بهم.... ثم يسير حتى يأتي العذرا هو ومن معه، وقد ألحق به ناس كثير، والسفياي يومئذ بوادي الرملة. حتى إذا التقوا وهم يوم الأبدال يخرج أناس كانوا مع السفياي من شيعة آل محمد (ع)، ويخرج ناس كانوا مع آل محمد إلى السفياي، فهم من شيعته حتى يلحقوا بهم، ويخرج كل ناس إلى رايتهم. وهو يوم الأبدال) [537].

سپس به همراه سیصد و اندی که بین رکن و مقام با او بیعت نموده‌اند، از مکه خارج می‌شوند، به همراه او عهد پیامبر خدا (ص) و پرچم و سلاح ایشان (ص) می‌باشد و وزیرش نیز همراهش است. ندا دهنده‌ای از آسمان در مکه او را به اسمش ندا می‌دهد تا جایی که همه‌ی اهل زمین آن را می‌شنوند، اسم او اسم پیامبر است. هر چه برای شما ایجاد اشکال نمود، عهد پیامبر خدا (ص) و پرچم و سلاحش برای شما ایجاد شبهه نمی‌کند. نفس زکیه از فرزندان حسین (ع) است. اگر این برای شما ایجاد شبهه



نمود ندای آسمانی به نام و فرمان او برای شما ایجاد اشکال و شبهه نمی‌کند. شما را برحذر می‌دارم از «شذاذ» (فریب‌کاران) از آل محمد(ع) که برای آل محمد(ع) و علی(ع) (تنها) یک پرچم وجود دارد در حالی که برای سایرین پرچم‌ها. پس در زمین ثابت باش و هیچ یک از آنان را پیروی نکن تا مردی از فرزندان حسین(ع) را ببینی که همراه او عهد پیامبر خدا(ص) و پرچم و سلاحش می‌باشد. عهد پیامبر خدا(ص) به علی بن حسین(ع) رسید، سپس به محمد بن علی(ع) و هرچه خدا بخواهد، همان می‌کند. پس از ایشان در جای خودت ثابت باش و از آنچه ذکر نمودم، تو را برحذر می‌دارم. آن هنگام مردی از ایشان به همراه سیصد و اندی مرد که به همراهشان پرچم رسول خدا(ص) است به سمت مدینه خارج می‌شود تا از بیدا عبور می‌کند و می‌گوید: این مکانی است که خسف برای قومی رخ داد.... سپس می‌روند تا او و همراهانش به «عذرا» می‌رسند و مردم بسیاری به او می‌پیوندند، در این هنگام سفیانی در سرزمین «رمله» می‌باشد. تا به هم برخورد می‌کنند و این روز ابدال است که از شیعه‌ی آل محمد(ع) می‌باشند و به همراه سفیانی هستند و از سپاه او خارج می‌شوند و گروهی که به همراه آل محمد هستند به سوی سفیانی خارج می‌شوند و ایشان پیروان او هستند تا به آنها ملحق می‌گردند، هر فردی به پرچم خویش ملحق می‌گردد؛ این روز «ابدال» (تبدیل شوندگان) است» [538].

**وفي خطبة طويلة لأمير المؤمنين (ع): (... ولعمري أن لو قد ذاب ما في أيديهم لدنا التمحيص للجزاء وقرب الوعد وانقضت المدة وبدا لكم النجم ذو الذنب من قبل المشرق ولاح لكم القمر المنير، فإذا كان ذلك فراجعوا التوبة واعلموا أنكم إن اتبعتم طالع المشرق سلك بكم مناهج الرسول فتداويتم من العمى والصم والبكم وكفيتم مؤونة الطلب والتعسف ونبذتم الثقل الفادح عن الأعناق ولا يبعد الله إلا من أبي وظلم واعتسف وأخذ ما ليس له، وسيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون) [539].**



امیرالمومنین (ع) در خطبه ای طولانی فرمود: «.... به جان خودم سوگند که چون حشمت آنها (یعنی بنی عباس) به پایان رسید و دولت و قدرتشان از میان رفت، امتحان برای پاداش نزدیک می‌شود و وعده‌ی حق نزدیک می‌گردد و دوران ظلم و ستم و حکومت اهل باطل سپری می‌شود و ستاره‌ی دنباله دار از سمت مشرق برای شما ظاهر می‌گردد و ماه تابان برای شما طلوع می‌نماید. پس چون این علایم پدیدار شد به سوی خدا بازگردید و توبه کنید و بدانید که اگر از طلوع کننده‌ی مشرق پیروی کنید، او شما را به راه‌های روشن پیامبر (ص) رهبری خواهد کرد و شما را از کوری و کری و گنگی نجات خواهد داد و رنج آنچه را که طلب می‌کردید و خود را به زحمت می‌انداختید، آسوده خواهد نمود و بار سنگین و کمرشکن را از روی دوش خویش برخواهید برداشت. خداوند کسی را از رحمت خود دور نمی‌سازد مگر آن که از پذیرش حق سر باز زند و ظلم را پیشه‌ی خود سازد و زور گوید و آنچه را که مُحِقِّش نیست به ناحق بستاند و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون (و کسانی که ظلم نمودند به زودی خواهند فهمید که به چه بازگشت‌گاهی بازخواهند گشت)» ([540]).

وفي رواية: (.... وأبرئ به من العمى، وأشفي به المريض، فقلت: إلهي وسيدي متى يكون ذلك؟ فأوحى الله عز وجل: يكون ذلك إذا رفع العلم، وظهر الجهل، وكثر القراء، وقل العمل، وكثر القتل، وقل الفقهاء الهادون، وكثر فقهاء الضلالة والخونة، وكثر الشعراء، واتخذ أمتك قبورهم مساجد، وحليت المصاحف، وزخرفت المساجد وكثر الجور والفساد، وظهر المنكر وأمر أمتك به ونهوا عن المعروف، واکتفى الرجال بالرجال والنساء بالنساء، وصارت الأمراء كفره، وأولياؤهم فجرة وأعوانهم ظلمة، وذوي الرأي منهم فسقة، وعند ذلك ثلاثة خسوف: خسف بالمشرق، وخسف بالمغرب، وخسف بجزيرة العرب، وخراب البصرة على يد رجل من ذريتك يتبعه الزوج، وخروج رجل من ولد الحسين بن علي، وظهور الدجال يخرج بالمشرق من سجستان، وظهور

السفیانی، فقلت: إلهي ومتي يكون بعدي من الفتن؟ فأوحى الله إلي وأخبرني ببلاء بني أمية وفتنة ولد عمي، وما يكون وما هو كائن إلى يوم القيامة، فأوصيت بذلك ابن عمي حين هبطت إلى الأرض وأديت الرسالة (541)].

و در روایتی: «...و به واسطه‌ی او کوران را بینا و بیماران را شفا خواهم داد. گفتم خدای من و مولای من! این چه هنگام خواهد بود؟ خدای تعالی وحی فرمود: آنگاه که علم برداشته شود و جهل آشکار گردد، قاریان فراوان شوند و عمل به قرآن اندک گردد و کشتار فراوان گردد و فقهای هدایتگر اندک و فقهای گمراهی و خائنان و شعراء افزون شوند و امت تو قبرهایشان را مسجد کنند، قرآن‌ها آراسته و مسجدها تزیین شود و جور و فساد افزون گردد و منکر آشکار شود و امت تو به آن فرمان دهند و از معروف بازدارند و مردان به مردان اکتفا کنند و زنان با زنان درآمیزند و امیران کافر شوند و اولیای آنها فاجر و یارانشان ظالم و اندیشمندان آنها فاسق گردند. در این هنگام سه خسوف واقع گردد، خسوفی در مشرق و خسوفی در مغرب و خسوفی در جزیرت العرب. بصره به دست یکی از ذرّیه‌ی تو ویران گردد و زنگیان از وی پیروی کنند و یکی از فرزندان حسین بن علیّ قیام کند و دجال از مشرق از سیستان خروج کند و سفیانی ظاهر شود. گفتم: خدای من! پس از من این فتنه‌ها کی واقع می‌شود؟ خدای تعالی به من وحی فرمود و مرا از فتنه‌ی بنی امیه و فتنه‌ی فرزندان عمویم و آنچه هست و تا روز قیامت خواهد بود آگاه ساخت و من نیز آنگاه که به زمین آمدم آنها را به پسر عمویم وصیت کردم و ادای رسالت نمودم» (542)].

و عن جابر بن يزيد الجعفي، قال: سمعت أبا جعفر محمد بن علي (عليهما السلام) يقول: (ليملكن رجل منا أهل البيت ثلاثمائة سنة وتزداد تسعاً، قال: قلت له: متى يكون ذلك؟ فقال: بعد موت القائم صلوات الله

عليه، فقلت: وكم يقوم القائم في عالمه حتى يموت؟ قال: تسع عشرة سنة من يوم قيامه إلى يوم موته) ([543]).

از جابر بن یزید جعفی نقل شده است که گفت: شنیدم ابو جعفر محمد بن علی (ع) می‌فرماید: «مردی از ما هل بیت سی سال به اضافه‌ی نه سال حکومت خواهد کرد». به ایشان گفتم: چه وقت خواهد بود؟ فرمود: «پس از مرگ قائم که سلام خدا بر او باد». گفتم: و قائم چند سال در حیات می‌ماند تا فوت شود؟ فرمود: «نوزده سال از روز قیامش تا هنگام مرگش» ([544]).

وعن يونس بن عبد الرحمن، عن مولانا أبي الحسن علي بن موسى الرضا (عليهما السلام)، أنه كان يأمر بالدعاء للحجة صاحب الزمان (ع) فكان من دعائه له صلوات الله عليهما: (اللهم صل على محمد وآل محمد، وادفع عن وليك وخليفتك وحجتك على خلقك، ولسانك المعبر عنك بإذنك، الناطق بحكمتك وعينك الناظرة في بريتك، وشاهداً على عبادك، الججاج المجاهد المجتهد، عبدك العائد بك).

از یونس بن عبد الرحمن از مولای ما ابو الحسن علی بن موسی الرضا (ع) نقل شده است که ایشان امر می‌فرمود بر دعا برای حجت صاحب الزمان (ع) و از دعاهاى ایشان به شرح زیر است (که صلوات خداوند بر هردویشان باد): «خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و دفاع کن از ولیّات و خلیفہات و حجّت بر آفریدگانت و زبان سخنگوی از جانبت و گویا به حکمتت و دیده‌ی نگرنده در مخلوقاتت و گواه بر بندگانت، آن سرور بزرگوار مجاهد، پناهنده به تو، عبادتکننده نزد تو.

اللهم وأعدّه من شر ما خلقت وذرات وبرأت وانشأت وصورت، وأحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن فوقه ومن تحته بحفظك الذي لا يضيع من حفظته به، وأحفظ فيه رسولك ووصي

رسولك وآبائه، أئمتك ودعائم دينك صلواتك عليهم أجمعين، واجعله في وديعتك التي لا تضيع وفي جوارك الذي لا يحتقر وفي منعك وعزك الذي لا يقهر، اللهم وآمنه بأمانك الوثيق الذي لا يخذل من آمنته به واجعله في كنفك الذي لا يضام من كان فيه وانصره بنصرك العزيز، وأيده بجندك الغالب، وقوه بقوتك وأردفه بملائكتك، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه والبسه در عك الحصينة وحفه بملائكتك حفاً، اللهم وبلغه أفضل ما بلغت القائلين بقسطك من إتباع النبيين.

خداوندا! پناهش ده از شرّ تمام آنچه آفریدی و پدیدار کردی و پروراندی و صورت دادی و او را نگهدار از پیش رویش و پشت سرش و از جانب راست و چپش و بالای سر و زیر پایش، به نگهداریات که تباه نشود هر کس را که به آن نگهداری، و حفظ کن در وجود او پیامبرت و پدراننش، آن امامان از جانب تو و پایهمهای دینت که صلوات تو بر همه‌ی آنها باد، و او را قرار ده در سپرده‌ی خود که تباه نمیشود و در جوارت که امنیتش از بین نمی‌رود و در بازدارندگی و نیرومندیات که مقهور نگردد. خداوندا! او را ایمن دار به امان محکمت که هر کس را که به آن ایمن نمودی هرگز خوار نمیشود، و قرارش ده در حمایت که هر کس که در آن باشد، مورد دستبرد واقع نگردد، و یاری‌اش ده به یاری نیرومندی و کمکش کن با لشگر چیرهات و نیرومندی‌اش ساز به نیرویت و پشت سر او قرار بده فرشتگان را. خداوندا! دوست بدار کسی را که دوستش دارد و دشمن بدار کسی را که دشمنش دارد، و زره محکمت را به او بپوشان و او را به طور کامل به احاطه‌ی فرشتگان در آور. خداوندا! به بهترین چیزی که به قائلین به عدالتت از پیروان پیامبران می‌رسانی، برسان.

اللهم أشعب به الصدع وارثق به الفتق، وأمت به الجور، واطهر به العدل، وزين بطول بقائه الأرض، وأيده بالنصر وانصره بالرعب وافتح له فتحاً يسيراً واجعل له من لدنك على عدوك وعدوه سلطاناً نصيراً. اللهم اجعله القائم المنتظر، والإمام الذي به تنتصر، وأيده بنصر عزيز وفتح

قريب، وورثه مشارق الأرض ومغاربها اللاتي باركت فيها، واحي به سنة نبيك صلواتك عليه وآله، حتى لا يستخفى بشيء من الحق مخافة أحد من الخلق، وقوّ ناصره واخذل خاذله ودمدم على من نصب له ودمر على من غشه، اللهم واقتل جبابرة الكفر وعمده ودعائمه والقوام به واقصم به رؤس الضلالة، وشارعة البدعة ومميتة السنة ومقوية الباطل واذلل به الجبارين وابر به الكافرين والمنافقين وجميع الملحدين حيث كانوا وأين كانوا من مشارق الأرض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها، حتى لا تدع منهم دياراً ولا تبقي لهم آثاراً، اللهم وظهر منهم بلادك، واشف منهم عبادك، واعز به المؤمنين، واحي به سنن المرسلين ودارس حكم النبيين، وجدد به ما محي من دينك وبدل من حكمك حتى تعيد دينك به وعلى يديه غصاً جديداً صحيحاً محضاً لا عوج فيه ولا بدعة معه، حتى تنير بعدله ظلم الجور وتطفئ به نيران الكفر وتظهر به معاهد الحق ومجهول العدل، وتوضح به مشكلات الحكم.

خدایا! شکاف در هر امور را به او اصلاح کن و گسیختگی را به او پیوند ده و ستم را به دستش نابود گردان و عدالت را به او بنمایان و زمین را با طول ماندنش بیارای و او را به پیروزی کمک کن و به وسیله‌ی در انداختن ترس (در دل دشمنان) یاری‌اش ده و فتحی آسان برایش میسر نما و از جانب خودت بر دشمنانت و دشمنانش یاری دهنده‌ای قرار ده. خدایا! او را قائم منتظر قرار ده و امامی که به او یاری می‌شود و او را با یاری نیرومند و فتحی نزدیک یاری فرما و او را وارث مشارق و مغارب زمین زمین قرار ده تا (زمین) پربركت گردد، و با او سنت نبی‌ات که صلوات تو بر او و خاندانش باد را زنده فرما تا چیزی از ترس مردم از حق پنهان نماند، و یاری‌دهنده‌اش را نیرومند ساز و واگذارنده‌اش را خوار کن و کسی را که نسبت به او دشمنی ورزد هلاک ساز و هرکه به او خیانت کند نابود گردان و به دست او گردنکشان کفر و تکیه‌گاه‌ها و ستون‌های آن را به قتل برسان و به وسیله‌ی او سران گمراهی و پدیدآورندگان بدعت و میرانندگان سنت و تقویت‌کنندگان باطل را درهم شکن و به دست او گردنکشان را خوار کن و کافران و

تمام بیدینان را نابود ساز، در مشرق‌های زمین و مغرب‌هایش و خشکی‌ها و دریا‌هایش و صحراها و کوه‌هایش، تا دیاری از آنان و آثاری از ایشان را باقی نگذاری. خدایا! کشورهایت را از وجود آلوده‌ی آنان پاک کن و بندگان را با محو ایشان شفا ده و مؤمنان را به وجود آن حضرت، عزیز گردان و روش‌های رسولان و احکام کهنه‌ی پیامبران را با او زنده کن و به وسیله‌ی او آنچه از دینت محو شده و از قانونت تغییر یافته است را تجدید فرما، تا دینت را به وجود او بازگردانی و بر دو دست او جدید و تازه و خالص و صحیح نمایی که کجی در آن دیده نشود و بدعت و پیرایه‌های همراهش نباشد، تا اینکه با عدالتش تاریکی‌های نابرابری را روشن کنی، و به وسیله‌ی او آتش‌های کفر را خاموش نمایی و گره‌بندهای حق و ناشناخته‌ی عدالت را به او روشن سازی و مشکلات حکم را واضح نمایی.

**اللهم وانه عبدك الذي استخلصته لنفسك واصطفيته من خلقك، واصطفيته على عبادك، وائتمنته على غيبك، وعصمته من الذنوب وبرأته من العيوب وطهرته (من الرجس) وصرفته عن الدنس وسلمته من الريب.**

خداوندا! او بنده‌ی تو است؛ بنده‌ای که برای خود خالص گردانیدی و از میان خلقت و از بین بندگان برگزیدی و او را بر غیب خود امین شمردی و از گناهان بازش داشتی و از عیب‌ها پاکیزه‌اش نمودی و از آلودگی پاکش فرمودی و از چرکینی بازش داشتی و از شک و تردید، سالمش نمودی.

**اللهم فإنا نشهد له يوم القيامة ويوم حلول الطامة إنه لم يذنب ولم يأت حوباً ولم يرتكب لك معصية ولم يضيع لك طاعة ولم يهتك لك حرمة ولم يبدل لك فريضة ولم يغير لك شريعة، وأنه الإمام التقي الهادي المهدي الطاهر التقي الوفي الرضي الزكي.**



خدایا! ما در روز قیامت و روز فرارسیدن حادثه‌ی بزرگ برای او گوامی می‌دهیم که گناهی انجام نداد و بزمی نیاورد و مرتکب معصیتی نشد و طاعتی را در پیشگاه تو تباه نکرد و حرمتی را از تو هتک نکرد و فریضه‌های را دگرگون نساخت و آیینی را تغییر نداد و به درستی که او است امام پرهیزگار هدایت‌کننده‌ی راه یافته‌ی پاک پرهیزگار بیعیب وفاکننده‌ی راضی پاکیزه.

**اللهم فصل عليه وعلى آبائه وأعطه في نفسه وولده وأهله وذريته وأمته وجميع رعيته ما تقر به عينه وتسره به نفسه وتجمع له ملك المملكات كلها، قريبا وبعيدا وعزیزها وذليلها حتى يجري حكمه على كل حكم ويغلب بحقه على كل باطل.**

خدایا! بر او و پدران‌ش صلوات فرست و به او عطا کن، در وجودش و اهلش و فرزندان و نژادش و امتش و همه‌ی رعیتش، چیزی که چشمش را به آن روشن کنی و وجودش را به آن خوشحال نمایی، و برای او گردآوری فرمانروایی همه‌ی مملکت‌ها را، نزدیک و دورش را و نیرومند و خوارش را، تا فرمانش را بر فراز هر فرمانی جاری سازی و حق او را بر هر باطلی چیره گردانی.

**اللهم واسلك بنا على يديه منهاج الهدى والمحجة العظمى والطريقة الوسطى، التي يرجع إليها الغالي ويلحق بها التالي، اللهم وقونا على طاعته وثبتنا على مشايعته وامن علينا بمتابعته واجعلنا في حربه القوامين بأمره الصابرين معه، الطالبين رضاك بمناصحته، حتى تحشرنا يوم القيامة في أنصاره وأعوانه ومقوية سلطانه، صل على محمد وآل محمد، واجعل ذلك كله منا لك خالصاً من كل شك وشبهة ورياء وسمعة، حتى لا نعتمد به غيرك ولا نطلب به إلا وجهك، وحتى تحلنا محله وتجعلنا في الجنة معه ولا تبتلنا في أمره بالسامة والكسل والفترة والفسل، واجعلنا ممن تنتصر به لدينك وتعز به نصر وليك ولا تستبدل بنا غيرنا،**



**فان استبدالك بنا غيرنا عليك يسير وهو علينا كبير انك على كل شئ  
قدير.**

خدایا! ما را به دو دست آن بزرگوار به راه هدایت و جاّدهی بزرگتر و طریقه‌ی میانه هدایت فرما، که گمراه تندرو به آن بازگردد و عقب مانده، خود را به آن ملحق نماید. خداوندا! بر طاعتش نیرویمان بخش و بر پیروی‌اش پا برجایمان کن و به متابعتش بر ما منت بنه و ما را در گروه او قرار بده، آن گروهی که به شدّت قیام کننده به دستورش و همراه او شکیبا هستند و با خیرخواهیش جویندگان خوشنودی تواند، تا ما را در روز قیامت در شمار یاران و مددکاران و تقویت‌کنندگان حکومتش محشور نمایی. خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و تمام اینها را برای ما خالص از هر شک و شبهه و خودنمایی و شهرتطلبی قرار بده، تا در این کار به غیر تو اعتماد نکنیم و به آن جز خوشنودی و وجه تو را نخواهیم، تا جایی که ما را به جایگاه او وارد کنی و در بهشت با او قرار دهی و از خستگی و کسالت و سستی پناهمان ده و ما را از کسانی قرار ده که به دست آنها برای دینت پیروزی آوری و یاری ولیّات را به آنها نیرومند سازی و ما را در این زمینه با دیگران عوض مکن، چرا که عوض کردن ما با دیگران بر تو آسان، ولی بر ما کار، بسیار دشوار و سنگین است، که تو بر همه چیز توانایی.

**اللهم وصل على ولاة عهده، وبلغهم آمالهم وزد في آجالهم  
وانصرهم وتمم لهم ما أسندت إليهم أمر دينك، واجعلنا لهم أعواناً وعلى  
دينك أنصاراً وصل على آبائه الطاهرين الأئمة الراشدين.**

خدایا! بر متولیان عهدش و پیشوایان پس از او درود فرست و آنان را به آرزوهایشان برسان و بر عمرشان بیفزای و پیروزی‌شان را نیرومند ساز و برای آنان کامل کن آنچه از دستوراتت به آنان مستند کردی و ما را از مددکاران آنان و نسبت به دینت از یاوران قرار ده، و درود فرست بر پدران طاهرش، آن امامان بزرگوار!

اللهم فإنهم معادن كلماتك وخزان علمك وولاية أمرك، وخالصتك من عبادك وخيرتك من خلقك، وأوليائك، وسلائل أوليائك، وصفوتك وأولاد أصفياك، صلواتك ورحمتك وبركاتك عليهم أجمعين، اللهم وشركاؤه في أمره ومعاونوه على طاعتك الذين جعلتهم) ([545]).

خداوندا! به درستی که آنان هستند معادن كلمات و خزانهداران دانشت و والیان امرت و خالصان از بندگانت و بهترین خلقت و اولیایت و فرزندان اولیایت و برگزیده‌هایت و فرزندان برگزیده‌هایت. صلوات و رحمت و برکات تو بر همه‌ی آنها باد. خداوندا! و شریکانش در امرش و یاریگرانش بر اطاعت تو که ایشان را قرار دادی) ([546]).

وعن المفضل، عن أبي عبد الله (ع)، قال: (قال الله عز وجل: افترضت على عبادي عشرة فرائض إذا عرفوها أسكنتهم ملكوتي وأبحتهم جناني، أولها معرفتي، والثانية معرفة رسولي إلى خلقي والإقرار به والتصديق له، والثالثة معرفة أوليائي وأنهم الحجج على خلقي، من والاهم فقد والاني ومن عاداهم فقد عاداني، وهم العلم فيما بيني وبين خلقي، ومن أنكرهم أصليته ناري وضاعفت عليه عذابي، والرابعة معرفة الأشخاص الذين أقيموا من ضياء قدسي، وهم قوام قسطنطين، والخامسة معرفة القوام بفضلهم والتصديق لهم، والسادسة معرفة عدوي إبليس وما كان من ذاته وأعوانه، والسابعة قبول أمري والتصديق لرسلي، والثامنة كتمان سري وسر أوليائي، والتاسعة تعظيم أهل صفوتي والقبول عنهم والرد إليهم فيما اختلفتم فيه، حتى يخرج الشرح منهم، والعاشرة أن يكون هو وأخوه في الدين والدنيا شرعاً سواء، فإذا كانوا كذلك أدخلتهم ملكوتي، وأمنتهم من الفرع الأكبر وكانوا عندي في عليين) ([547]).

از مفضل از ابو عبدالله (ع) نقل شده است که فرمود: «خداوند عزوجل می‌فرماید: ده فریضه را بر بندگانم واجب گردانیدم که اگر آنها را بشناسند در ملکوتهم و در بهشت‌هایم جایشان خواهم داد؛ اولین آنها شناخت من، دوم شناخت فرستاده‌ام به

سوی خلقم و اقرار و تصدیق او، سوم شناخت اولیای من و اینکه ایشان حجت‌های من بر خلقم می‌باشند، هر کس ایشان را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و هر کس ایشان را دشمن بدارد، دشمن من است و این که آنها پرچم بین من و خلقم می‌باشند و کسی که آنها را انکار نماید، او را به آتشم می‌رسانم و عذابم را بر او مضاعف می‌نمایم، چهارم شناخت کسانی که از نور قدسی من پابرجا هستند که آنها پایه‌های عدالت من می‌باشند، پنجم شناخت اینکه قوام به فضل آنها است و تصدیق آنها، ششم شناخت ابلیس و هر آنچه از ذات او و یاوران او می‌باشند به عنوان دشمنان من، هفتم قبول فرمان من و تصدیق فرستادگانم، هشتم پنهان نگه داشتن سر من و سر اولیای من، نهم بزرگ داشتن منتخبین من و قبول آنچه از ایشان صادر می‌شود و رجوع به آنها در اختلافات تا اینکه راه حل را از ایشان دریافت نمایند و دهم اینکه خودش و برادرانش را از نظر شرعی در دین و دنیا یکسان بداند؛ اگر این گونه باشند، به ملکوتم واردشان خواهم نمود و از «فزع اکبر» (ترس بزرگ) ایمنشان می‌دارم و نزد من در علیین خواهند بود» ([548]).

معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): (إِذَا بَعَثَ السَّفِيَّانِي إِلَى الْمَهْدِيِّ جَيْشاً فَخَسَفَ بِهِم بِالْبِيدَاءِ وَبَلَغَ ذَلِكَ أَهْلَ الشَّامِ، قَالُوا لَخَلِيفَتِهِمْ: قَدْ خَرَجَ الْمَهْدِيُّ فَبَايَعَهُ وَادْخَلَ فِي طَاعَتِهِ وَإِلَّا قَتَلْنَاكَ، فَيُرْسَلُ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ، وَيَسِيرُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يَنْزِلَ بَيْتَ الْمَقْدِسِ، وَتَنْقَلُ إِلَيْهِ الْخَزَائِنُ، وَتَدْخُلُ الْعَرَبُ وَالْعَجَمُ وَأَهْلُ الْحَرْبِ وَالرُّومُ وَغَيْرُهُمْ فِي طَاعَتِهِ مِنْ غَيْرِ قِتَالٍ، حَتَّى تَبْنِيَ الْمَسَاجِدَ بِالْقُسْطَنْطِينِيَّةِ وَمَا دُونَهَا وَيُخْرِجُ قَبْلَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ بِأَهْلِ الْمَشْرِقِ، يَحْمِلُ السِّيفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ، يَقْتُلُ وَيُمِثِّلُ، وَيَتَوَجَّهُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ. فَلَا يَبْلُغُهُ حَتَّى يَمُوتَ) ([549]).

معجم احاديث امام مهدي (ع): «هنگامی که سفیانی، سپاهی را به سوی مهدي گسیل می‌دارد، در پیدا برایشان خسف رخ خواهد داد که خبرش به شام می‌رسد، به

خلیفه‌اش می‌گویند: مهدی خروج کرد، با او بیعت نما و تحت فرمان او دریا که در غیر این صورت تو را می‌کشیم، پس برای بیعت کردن به سوی او می‌فرستد. مهدی می‌رود تا به بیت المقدس می‌رسد، خزاین به او می‌رسد و عرب و عجم و اهل حرب و روم و غیر ایشان بدون هیچ جنگی به اطاعت از او درمی‌آیند تا این که مسجدها در قسطنطنیه و جاهای دیگر بنا می‌کند و قبل از آن مردی از اهل بیتش بر اهل مشرق خروج می‌کند، شمشیر را هشت ماه بر دوش می‌کشد، می‌کشد و مثله می‌کند و به سوی بیت المقدس متوجه می‌شود و به آن نمی‌رسد تا بمیرد» ([550]).

و عن الرسول محمد(ص): (... ألا وإن الله نظر إلى أهل الأرض نظرة فاختر منهم رجلين: أحدهما أنا فبعثني رسولاً ونبيّاً، والآخر علي بن أبي طالب، وأوحى إلي أن أتخذه أخاً وخليلاً ووزيراً ووصياً وخليفة. ألا وإنه ولي كل مؤمن بعدي، من والاه والاه الله ومن عاداه عاداه الله. لا يحبه إلا مؤمن ولا يبغضه إلا كافر. هو زر الأرض بعدي وسكنها، وهو كلمة الله التقوى وعروته الوثقى. (يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) ([551]). ألا وإن الله نظر نظرة ثانية فاختر بعدنا اثني عشر وصياً من أهل بيتي، فجعلهم خيار أمتي واحداً بعد واحد، مثل النجوم في السماء، كلما غاب نجم طلع نجم. هم أئمة هداة مهتدون لا يضرهم كيد من كادهم ولا خذلان من خذلهم) ([552]).

از حضرت محمد(ص) نقل شده است که فرمود: «.... آگاه باشید که خداوند به اهل زمین نظری انداخت و از بین ایشان دو مرد را برگزید: یکی از آنها من بودم که مرا رسول و نبی مبعوث فرمود و دیگری علی بن ابی طالب بود و به من وحی فرمود که او را برادر، دوست، وزیر، وصی و جانشینم برگزینم. بدانید که او ولی و سرپرست هر مومن بعد از من می‌باشد، کسی که او را دوست بدارد، خداوند را دوست داشته و هر کس او را دشمن بدارد، دشمن خداوند است. جز مومن، کسی او را دوست نمی‌دارد و جز کافر،

کسی او را دشمن نمی‌دارد. او بعد از من، میخ زمین و عامل نگه‌داشتن آن است. او کلمه‌ی تقوای الهی و ریسمان محکم می‌باشد: «می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، و خدا جز به کمال رساندن نور خود نمی‌خواهد هر چند کافران را خوش نیاید» ([553]). بدانید خداوند بار دیگر نظر انداخت و بعد از ما دوازده وصی از اهل بیت برگزید و آنها را یکی بعد از دیگری بهترین‌های امت من قرار داد، مانند ستارگان در آسمان که هر وقت ستاره‌ای غروب کند، ستاره‌ی دیگری طلوع خواهد نمود. آنها ائمه‌ی هدایت‌گر هدایت‌شده می‌باشند، نقشه‌ی فریبکاران و تنها گذاشتن واماندگان، آسیبی به آنها نمی‌رساند» ([554]).

وفي رواية عن أمير المؤمنين (ع): (... قال له: صدقت سل عما بدا لك؟ قال: يا أمير المؤمنين أخبرني عن قول الله تعالى: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ)، قال (ع): نعم يا بيهس، قد سألت عنه غيري؟ قال: لا كرامة لهم وهذا علم لا يعلمه إلا نبي أو وصي. قال (ع): أما قوله تعالى: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) فنور أنزل على الدنيا. قال: كيف أنزل؟ قال (ع): لما استوى الرب على العرش أراد أن يستضيء ضوء بنورنا وإن نورنا من نوره، فأمر الله النور أن ينطق فنطق حول العرش فعلمت الملائكة بذلك فخرروا له سجداً لحلاوة كلام نورنا، فلذلك سميت القدر فإنها لنا ولمن يتولانا، وليس لغيرنا فيه نصيب، فكان نورنا عند العرش نامياً صباحاً، والملائكة يسلمون علينا، فلما أن خلق الله آدم رفع رأسه فنظر إلى نورنا فقال آدم: إلهي وسيدي منذ كم نورهم تحت عرشك؟ فقال الله تبارك وتعالى: يا آدم من قبل أن خلقتك وخلقت السماوات والأرض والجبال والبحار والجنة والنار بأربعة وعشرين ألف عام وأنت في بعض أنوارهم، فلما أن هبط آدم (ع) إلى الدنيا كانت الدنيا مظلمة، فقال آدم (ع): بإذن ربهم. أتدري أي إذن كان؟ قال: لا. قال: أنزل الله تعالى إلى جبرائيل: يا رب بحق محمد وعلي إلا رددت علي النور الذي كان لي، فأهبطه الله تبارك وتعالى إلى الدنيا فكان آدم يستضيء بنورنا، فلذلك سمى

لیلة القدر، فلما بقي آدم (ع) في الدنيا وعاش فيها أربعمئة سنة أنزل الله عليه تابوتاً من نور له اثنا عشر باباً، لكل باب وصي قائم يسير بسيرة الأنبياء. قال: يا رب من هؤلاء؟ قال الله عز وجل: يا آدم، أول الأنبياء أنت والثاني نوح والثالث إبراهيم والرابع موسى والخامس عيسى والسادس محمد خاتم الأنبياء. وأما الأوصياء أولهم شيث ابنك والثاني سام بن نوح والثالث إسماعيل بن إبراهيم والرابع يوشع بن نون والخامس شمعون الصفا والسادس علي بن أبي طالب (ع) وآخرهم القائم من ولد محمد الذي أظهر به ديني على الدين كله ولو كره المشركون. قال: فسلم آدم التابوت إلى شيث وقبض آدم، فلذلك قال الله تعالى: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ \* وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ \* لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ) وإن نورنا أنزله الله إلى الدنيا حتى يستضيئ بنورنا المؤمنون ويعمى الكافرون.

در روایتی از امیرالمومنین (ع) نقل شده است: «... به او فرمود: «راست گفتمی، بپرس تا برایت آشکار گردد». گفت: ای امیرالمومنین، از این سخن خداوند متعال مرا خبر ده: «ما آن را در شب قدر، نازل نمودیم». فرمود: «آری ای بیهس، آیا از کس دیگر هم در این مورد سوال نموده‌ای؟» گفت: نه، آنها کرامتی ندارند و این علمی است که جز نبی یا وصی، کس دیگری آن را نمی‌داند. فرمود: «اما این سخن خداوند متعال «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» با نازل کردن بر دنیا، نورانی و روشن نمود». گفت: چگونه نازل نمود؟ فرمود: «هنگامی که پروردگار بر عرش ایستاد اراده فرمود که با نور ما نورانی نماید که نور ما از نور او می‌باشد. خداوند به نور دستور داد که صحبت کند، پس گراگرد عرش سخن گفت. ملائکه از شیرینی سخن نور ما دانستند و برایش به سجده افتادند. از این رو است که قدر نامیده می‌شود که متعلق به ما و هر که ما را دوست بدارد می‌باشد و کس دیگری غیر از ما نصیبی در آن ندارد. نور ما در عرش چون چراغ نجات است و ملائکه بر ما سلام می‌فرستند. هنگامی که خداوند آدم را بیافرید، سرش را بلند کرد و به نور ما نگاه انداخت و گفت: خدای من و آقای من، از چه موقع



نور ایشان زیر عرش تو می‌باشد؟ خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای آدم، بیست و چهار هزار سال قبل از اینکه تو و آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها و دریاها و بهشت و دوزخ را خلق کنم و تو در برخی از نورهای آنان بودی. هنگامی که آدم (ع) به زمین هبوط نمود، دنیا تاریک و ظلمانی بود. آدم (ع) گفت: با اجازه‌ی پروردگارشان. آیا می‌دانی چه شد؟» گفت: نه. فرمود: «خداوند متعال به جبرئیل نازل فرمود: ای پروردگار، به حق محمد و علی، نوری که با من است را منعکس می‌کنم. خداوند او را به دنیا هبوط نمود و آدم از نور ما بهره برد و از این رو شب قدر نامیده می‌شود. هنگامی که آدم چهارصد سال در این دنیا ماند و زندگی کرد خداوند تابوتی از نور را که دوازده در داشت نازل نمود که هر دری، وصی قائمی داشت که به سیره‌ی انبیا سیر می‌نمود. (آدم) گفت: پروردگارا، اینان چه کسانی هستند؟ خدای عزوجل فرمود: ای آدم، اولین پیامبر تو هستی و دومینشان نوح، سومین ابراهیم، چهارم موسی، پنجم عیسی و ششمین آنها محمد خاتم پیامبران است. اما اولین اوصیا شیت فرزند تو، دومین سام پسر نوح، سوم اسماعیل فرزند ابراهیم، چهارم یوشع فرزند نون، پنجم شمعون صفا و ششمین علی بن ابی طالب (ع) و آخرین آنها قائم از فرزندان محمد است که با او دینم را بر همه‌ی دین‌ها چیره می‌گردانم هرچند مشرکان را خوش نیاید! فرمود: آدم تابوت را به شیت داد و قبض روح شد. از این رو خداوند متعال می‌فرماید: « ما آن را در شب قدر نازل نمودیم \* و تو چه می‌دانی که شب قدر چیست \* شبی که خیر آن بیش از هزار سال است.» نور ما را خدا به دنیا نازل فرمود تا مومن از نور ما بهره بگیرد و کافر کور گردد.

وَأَمَّا قَوْلُهُ: (تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ)، فَإِنَّهُ لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا (ص) وَمَعَهُ تَابُوتُ مَنْ فِيهِ رَقٌّ أَبْيَضٌ فِيهِ رَقٌّ أَبْيَضٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْاِثْنَيْ عَشَرَ فَعَرَضَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَأَمْرَهُ عَنْ رَبِّهِ أَنْ الْحَقُّ لَهُمْ وَهُمْ أَنْوَارٌ. قَالَ: وَمَنْ هُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: أَنَا وَأَوْلَادِي الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ



و علي بن موسى و محمد بن علي و علي بن محمد و الحسن بن علي  
و محمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله عليهم أجمعين، و بعدهم  
أتباعنا و شيعتنا المقرون بولائتنا المنكرون لولاية أعدائنا. و قوله: (ن كُلُّ  
أَمْرٍ) من كل من في السماوات و من في الأرض علينا صباحاً و مساءً إلى  
يوم القيامة، هي نور ذريتي، تستضاء بنا الدنيا حتى مطلع الفجر عنا إلى  
يوم القيامة) ([555]).

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (ممكن الله له في الأرض)

الشيخ ناظم العقيلي

و اما در خصوص اين سخن خداوند «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ» (ملائكه نازل شدند)، هنگامي  
که خداوند حضرت محمد(ص) را مبعوث فرمود، به همراه او تابوتی از مروارید سفید  
بود که دوازده در داشت، در آن پارچه‌ی سفیدی بود که روی آن دوازده اسم نوشته شده  
بود. آنها را به رسولش(ص) عرضه نمود و از جانب پروردگارش امر نمود که حق با آنها  
است و آنها نورها می‌باشند». گفت: آنها چه کسانی هستند ای امیرالمومنین؟ فرمود:  
«من و فرزندانم حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و  
موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و  
محمد بن حسن صاحب الزمان که بر همه‌ی ایشان صلوات و سلام باد و بعد از ایشان،  
پیروان و شیعیان ما که قرین ولایت ما و منکر ولایت دشمنان ما می‌باشند. و سخن  
خداوند که «ن كُلُّ أَمْرٍ» (برای هر امری) به معنی برای هر آنچه در آسمان‌ها و در  
زمین صبح و شب تا روز قیامت واقع می‌شود. این نور فرزندان من است، دنیا با ما  
نورانی می‌شود تا سپیده (فجر) تا روز قیامت از ما طلوع کند» ([556]).

هیأت علمی - انصار امام مهدی(ع) (خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم عقيلي



- [495] - الإمامة والتبصرة: ص 107.
- [496] - الامامة و التبصرة: ص 107.
- [497] - الغيبة للشيخ الطوسي: ص 150.
- [498] - غيبت طوسى: ص 150.
- [499] - الغيبة للشيخ الطوسي: ص 454.
- [500] - غيبت طوسى: ص 454.
- [501] - مختصر بصائر الدرجات: ص 38.
- [502] - مختصر بصائر الدرجات: ص 38.
- [503] - كمال الدين: ص 358.
- [504] - كمال الدين: ص 358.
- [505] - شرح الأخبار: ج 3 ص 400.
- [506] - شرح الاخبار: ج 3 ص 400.
- [507] - شرح الأخبار: ج 3 ص 400.
- [508] - شرح الاخبار: ج 3 ص 400.
- [509] - الإرشاد للشيخ المفيد: ج 2 ص 376.
- [510] - ارشاد شيخ مفيد: ج 2 ص 376.
- [511] - الغيبة للشيخ الطوسي: ص 443.
- [512] - غيبت شيخ طوسى: ص 443.
- [513] - الغيبة للطوسي: ص 161.
- [514] - غيبت طوسى: ص 161.
- [515] - فقه الرضا لعلي بن بابويه: ص 402.
- [516] - فقه الرضا على بن بابويه: ص 402.
- [517] - مصباح المتهجد: ص 406.
- [518] - مصباح المجتهد: ص 406.
- [519] - مصباح المتهجد: ص 826.
- [520] - مصباح المجتهد: ص 826.
- [521] - كامل الزيارات: ص 76.
- [522] - كامل الزيارات: ص 76.
- [523] - مستدرک الوسائل: ج 3 ص 417.
- [524] - مستدرک الوسائل: ج 3 ص 417.
- [525] - الغيبة الطوسي: ص 165.
- [526] - غيبت طوسى: ص 165.

- [527] - بحار الأنوار: ج 94 ص 349.
- [528] - بحار الانوار: ج 94 ص 349.
- [529] - إقبال الأعمال: ج 3 ص 116.
- [530] - اقبال الاعمال: ج 3 ص 116.
- [531] - تهذيب الأحكام: ج 3 ص 253.
- [532] - تهذيب الاحكام: ج 3 ص 253.
- [533] - شرح الأخبار: ج 3 ص 400.
- [534] - شرح الاخبار: ج 3 ص 400.
- [535] - البقرة: 148.
- [536] - بقره: 148.
- [537] - بحار الأنوار: ج 52 ص 222.
- [538] - بحار الانوار: ج 52 ص 222.
- [539] - الكافي: ج 8 ص 66.
- [540] - كافي: ج 8 ص 66.
- [541] - كمال الدين: ص 251.
- [542] - كمال الدين: ص 251.
- [543] - مختصر بصائر الدرجات: ص 213.
- [544] - مختصر بصائر الدرجات: ص 213.
- [545] - جمال الأسبوع: ص 310 - 313.
- [546] - جمال الاسبوع: ص 310 تا 313.
- [547] - بحار الأنوار: ج 66 ص 13.
- [548] - بحار لانوار: ج 66 ص 13.
- [549] - معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج 3 ص 119.
- [550] - معجم احاديث امام مهدي(ع): ج 3 ص 119.
- [551] - التوبة: 32.
- [552] - كتاب سليم بن قيس - تحقيق محمد باقر الأنصاري: ص 380.
- [553] - توبه: 32.
- [554] - كتاب سليم بن قيس - تحقيق محمد باقر انصاري: ص 380.
- [555] - إزام الناصب: ج 1 ص 101.
- [556] - الزام الناصب: ج 1 ص 101.